

قیام مردم تبریز

در روند نهضت اسلامی مردم ایران، تمامی خیزش‌های مردمی همانند حلقه‌های يك زنجیره نقش تعیین کننده و منحصر به فرد خود را ایفا نمودند و مسلماً بدون وقوع هر يك از آنها، روند نهضت به سرانجام مقصود نمی‌رسید.

يكي از این قیام‌های سرنوشت‌ساز مردم انقلابی ایران که جایگاهی بی‌بدیل در جریان نهضت اسلامی به خود اختصاص داده، قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ می‌باشد. این قیام به عنوان تداوم سلسله قیام‌های مذهبی مردم از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به رهبری روحانیت مبارز و حضور طیف گسترده‌ای از اقشار مختلف مردم، چنان ضربه‌ای برپیکره در حال احتضار رژیم پهلوی وارد آورد که موجب گردید تا رهبر کبیر انقلاب در پیام خود به همین مناسبت، نوید سقوط رژیم و پیروزی نهضت مردم را به همگان بشارت دهد.

در این مقاله، زمینه‌ها، جریان و پیامدهای قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ مورد بررسی قرار گرفته است.

در روز اول آبان ماه ۱۳۵۶، خبر درگذشت ناگهانی آیت‌الله سید مصطفی خمینی، فرزند برومند حضرت امام خمینی (ره) منتشر شد. مردم مسلمان ایران، فوت مشکوک ایشان را شهادت نامیدند و از سوی دیگر شایع شد که سازمان ساواک در این ماجرا، دست داشته است. سیدمصطفی، به عنوان یار دیرین امام امت، همواره همراه ایشان بودند و نقش بی‌همتایی در پیشبرد نهضت اسلامی ایفا می‌نمودند. ایشان علاوه بر اینکه رابط امام با نیروهای انقلاب بودند، در بسیاری از تصمیم‌گیریها نیز، به عنوان مشاور و امین به رهبر نهضت، کمک می‌رساندند.

بلافاصله پس از انتشار این خبر، مردم مسلمان ایران در سراسر کشور به برپایی مجالس بزرگداشت و ترحیم ایشان، همت گماشتند و این امر علاوه بر معرفی بیشتر نهضت اسلامی، نفرت و بی‌زاری مردم از نظام پهلوی را افزون‌تر ساخت. امام (ره) با نشان دادن صبر و شکیبایی فوق‌العاده در برابر این مصیبت، آن را از الطاف خفیه الهی برشمردند.

في الواقع نیز این حادثه از الطاف خفیه الهی بود، چرا که شهادت سیدمصطفی، باعث افزایش وحدت و همدلی مردم و نیروهای مذهبی گردید و از سوی دیگر ضمن افزایش محبوبیت امام خمینی و رهبری عالمانه ایشان، جریان نهضت ضدشاهنشاهی، کاملاً به دست نیروهای مذهبی و یاران امام خمینی افتاد. به دنبال اوج‌گیری بی‌سابقه نهضت، و قدرت‌یابی فوق‌العاده نیروهای مذهبی، رژیم

پهلوي که محبوبيت شديد امام خميني در بين توده‌هاي مردم را بزرگترين عامل اتحاد و يکدلي مردم و پيشبرد نهضت و تزلزل پایه‌هاي رژیم مي‌ديد، آشفته و درمانده از هرجا، به تدبيري ساده لوحانه دست يازيد و به اين فکر افتاد تا به عنوان آخرين حربه، حرمت و قداست امام را در بين مردم، بشکند.

در روز هفدهم دي ماه ۱۳۵۶، در روزنامه اطلاعات، مقاله‌اي با عنوان «ايران و استعمار سرخ و سياه» به چاپ رسيد. در اين مقاله که نام مستعار نويسنده آن «رشيدي مطلق» بود، رژیم قصد داشت تا با فحاشي و توهين وقیحانه نسبت به روحانيت و ساحت امام خميني، از ايشان انتقام بگيرد و به گمان واهي خود، حيثيت و اعتبار ايشان را در بين مردم، لکه‌دار نمايد، تا شايد بتواند از اين طريق، رهبري بلامنازع ايشان در روند نهضت را خدشه دار ساخته و جلوي سرنگوني خود را سد نمايد. تهيه و چاپ مقاله مذکور را به افراد مختلفی نسبت مي‌دهند، ولي به نظر مي‌رسد که ساواک به دستور شخص شاه، آن مقاله را تدوين نموده بود. نويسندگان مقاله مذکور با بي‌شرمي تمام، تلاش داشتند تا قيام مردمی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و شخصت رهبر نهضت اسلامي را زير سوال برده و امام را به هواداري از ملاکين، شهرت طلبی و عامل استعمار بودن، متهم سازند.

عکس العمل امام در برابر انتشار اين مقاله در آن مقطع، بسيار سرنوشت‌ساز و درعين حال، نشان از کرامت طبع و بزرگواري ذاتي ايشان بود. امام خميني(ره) با صبر و بي‌اعتنايي به آن اهانت آشکار و گستاخانه، به همگان نشان دادند که هيچ گونه خودخواهي در وجود ايشان راهي ندارد. هوشیاري امام، روحانيون آگاه و نیز بيداري و عمق علاقه مردم به امام، موجب شد که انتشار اين مقاله، نتیجه‌اي معکوس براي رژیم در برداشته باشد.

با آنکه مردم مسلمان در سراسر کشور، با خشم و نفرت به اين اهانت، پاسخ دادند ولي شهر قم، واکنش خاصي در برابر آن نشان داد. بلافاصله در قم، دروس حوزه علميه، به نشانه اعتراض، تعطيل شد و طلاب به طور دسته‌جمعي به سوي منازل مراجع شتافتند. اجتماع عظيم روز ۱۸ دي در مسجد اعظم، با شعارهاي ضد رژیم پهلوي و حمايت از امام خميني، توأم شد. اين تظاهرات با حمله پليس به صحنه درگيري مردم با پليس تبديل شد و حوادث مذکور تا نيمه‌شب، ادامه يافت. روز ۱۹ دي ماه، اوضاع شهر قم، به گونه‌اي ديگر بود. مردم و طلاب با تعطيل کردن بازارها و مغازه‌هاي شهر، ضمن سرازير شدن به خیابانها، نفرت و عصبانيت خود از اقدام رذيلانه رژیم را به نمايش گذاشتند. ماموران مسلح رژیم نیز پس از مشاهده موج

عظیم تظاهرات مردمی، به سوی تظاهرکنندگان آتش گشودند. مردم نیز که مورد حمله ناجوانمردانه قرار گرفته بودند. با سنگ و چوب به مقابله با دژخیمان پرداختند و بر سر راه خود، شیشه‌های شعب بانک صادرات (که متعلق به یک سرمایه‌دار بهایی بود) و ساختمان حزب رستاخیز را شکستند.

تعداد کشته‌ها و مجروحین ناشی از تیراندازی عمال رژیم به قدری بود که مراکز درمانی شهر، مملو از شهدا و زخمی‌ها شده بود و دیگر امکان مداوا و کمک‌رسانی به خیل عظیم مجروحین، وجود نداشت. فاجعه کشتار مردم قم در ۱۹ دی ماه، اعتراض شدید مردم شهرهای دیگر کشور و بی‌آبروتر شدن رژیم در داخل و خارج را موجب شد.

علاوه بر این، پیام امام خمینی(ره) پس از این فاجعه، دامنه انقلاب را گسترده‌تر و سقوط رژیم را نزدیک‌تر ساخت.

در چهلمین روز قیام مردم قم و شهادت جمع کثیری از مردم آن شهر، در سراسر کشور مجالس ترحیم و یادبود برگزار گردید. این روز که مصادف با ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ بود، روزی سرنوشت‌ساز در جریان نهضت اسلامی به شمار می‌آید.

شهر تبریز نیز همانند دیگر شهرهای کشور، مهیای برگزاری مجالس بزرگداشت شهدای ۱۹ دی قم بود. در این شهر، از چند روز قبل، اعلامیه‌ای به صورت وسیع توزیع شده بود. در این اعلامیه، یازده تن از علمای طراز اول تبریز، تعطیلی بازار، تشکیل مجلس یادبود و بزرگداشت شهدای ۱۹ دی قم را خواستار شده و روز ۲۹ بهمن را روز عزا و تعطیل عمومی، اعلام کرده بودند. نیروهای ساواک و شهرستانی نیز، شماری از مردم را به دلیل پخش و توزیع این اعلامیه، بازداشت کرد.

اعلامیه علمای شهر تبریز، زمان مراسم یادبود را از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در مسجد حاج میرزا یوسف (قزلی) تعیین کرده بود. از سوی دیگر، روز ۲۹ بهمن، مصادف با روز شنبه و همزمان با امتحانات برخی از دانشجویان بود، ولی نه تنها حدود نیمی از دانشجویان از حضور در دانشگاه خودداری نمودند، بلکه دانشجویان حاضر در دانشگاه نیز، با سردادن شعار، شکستن شیشه‌ها و تعطیل کردن کلاسها، از دانشگاه خارج شده و به سمت مرکز شهر حرکت نمودند.

عده‌ای دیگر از مردم نیز، از جمله بازاریان و طلاب حوزه طالبیه، پس از تجمع در مقابل مسجد جامع شهر، قصد حرکت گروهی به سوی مسجد حاج میرزا یوسف را داشتند، که در پی ممانعت مامورین شهرستانی، این تجمع، به درگیری مردم و ماموران، تبدیل شد. با این حال شمار زیادی از مردم که طبق اعلامیه مذکور، در زمان مقرر به سمت

مسجد سرازیر شده بودند، با درهاي بسته مسجد روبرو شدند. مامورین شهربانی برای جلوگیری از برگزاری مراسم بزرگداشت شهدای قم، مانع ورود مردم به مسجد گردیدند و از طرف دیگر، تلاش کردند تا مردم را پراکنده نمایند. مردم عزادار و خشمگین، خواستار باز شدن درب مسجد شدند. به دنبال عدم موفقیت نیروهای شهربانی در متفرق ساختن مردم، و تداوم پافشاری مردم برای حضور در مسجد و برگزاری مراسم بزرگداشت شهدای قم، سرگرد حق شناس، رئیس شهربانی تبریز، خطاب به مردم مسلمان، لفظ توهین آمیز و وقیحانه‌ای را نسبت به مسجد، ایراد نمود. این اقدام وی، علاوه بر خشمگین‌تر ساختن مردم، باعث شد که یکی از جوانان غیور شهر به نام محمد تجلا، سیلی محکمی را به گوش سرگرد حق شناس وارد آورد. به دنبال این اقدام جسورانه، سرگرد حق شناس با شلیک گلوله‌ای به سمت قلب این جوان، وی را به شهادت برساند. با شهید شدن محمد تجلا، دیگر خشم مردم انقلابی، از کنترل خارج شد. مردم جنازه شهید را بروی دستان خود بلند کرده و با فریاد «لااله الا الله» پیکر وی را تشییع نمودند.

در این هنگام، دانشجویان نیز به مردم پیوستند و شعار «درود بر خمینی» در شهر طنین انداز گردید. تظاهرکنندگان خشمگین، بدون اینکه کوچکترین تعرضی به اموال و اماکن خصوصی نمایند، مظاهر دولتی را مورد حمله قرار داده و مجسمه شاه، سینماها، مراکز فساد، مشروب فروشی‌ها، موسسات وابسته به بهائیان و ساختمان حزب رستاخیز را ویران نمودند. شهر تبریز از ساعت ۳۰/۹ صبح عملاً از کنترل پلیس و شهربانی خارج شده و در کنترل مردم قرار گرفت. اخبار قیام مردم به سرعت به دربار مخابره شد و محمدرضا شاه پهلوی، شخصا دستور سرکوب مردم را صادر کرد. این دستور در تماس جمشید آموزگار، نخست وزیر وقت با استاندار آذربایجان شرقی، به وی ابلاغ شد. از این رو، نیروهای ارتش سوار برتانک و نفریر در ساعت ۳۰/۱۲ ظهر برای سرکوب کردن مردم، داخل شهر شدند. البته بیشترین نقش در کشتار مردم را ساواک برعهده داشت. چرا که طبق اظهار شاهدان، سربازان ارتش، حاضر به کشتن مردم نبودند و مستقیماً به سوی مردم شلیک نمی‌کردند، بلکه ماموران ساواک به طور ناجوانمردانه و حتی با سوار شدن بر آمبولانس‌ها، ناگهان با باز کردن درب آن، مردم را به رگبار گلوله می‌بسته و به خاک و خون می‌کشیدند. آماري که درباره شهدا، مجروحین و دستگیرشدگان این روز منتشر شد، متفاوت است.

آمارهای رسمی، تعداد شهدا را ۶ نفر و زخمیان را ۱۲۵ نفر اعلام نمود، ولی طبق آمارهای غیررسمی، شمار شهدا ۲۰۰ نفر، مجروحان ۵۰۰ نفر و بازداشت‌شدگان به حدود ۱۰۰۰ نفر بالغ می‌شد.

باید دانست که در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، برای اولین بار، شعار «مرگ برشاه» به طور علنی سر داده شد و از این‌رو، دیگر به راحتی می‌شد سقوط قریب‌الوقوع نظام سلطنتی را پیش‌بینی نمود. امام خمینی نیز به دنبال قیام ۲۹ بهمن تبریز، در سخنرانی خود در نجف اشرف اعلام نمودند که «ما عزادار شهدای قیام ۲۹ بهمن تبریز هستیم.» ایشان همچنین به همین مناسبت پیام مهمی صادر نمودند و در طی آن پیام، ضمن تسلیت‌گویی به مادران داغ‌دیده و پدران مصیبت‌کشیده، و برشمردن نهضت عظیم این شهر به عنوان مشیت محکمی برده‌ها و یاره‌گویان، وعده پیروزی نهایی را بشارت دادند.

از آنجایی که قیام ۲۹ بهمن در یکی از نقاط حساس و تاریخ‌ساز ایران به وقوع پیوسته بود و نیز تمامی اقشار مختلف مردم در آن نقش داشتند، و همچنین به دلیل گستردگی و عظمت این قیام، بازتاب گسترده این قیام در رسانه‌های گروهی جهان، باعث مطرح شدن بیشتر نهضت اسلامی در سطح جهانی شد. رژیم نیز که ضربه‌ای بس محکم خورده بود، به اتهام زنی پرداخته و ادعا نمود که افرادی که از آن سوی مرزها وارد کشور شده بودند، این حادثه را به وجود آوردند. علیرغم اتهامات واهی رژیم پهلوی، این قیام به سرعت به دیگر مناطق کشور سرایت کرد و درچهل‌م شهدای ۲۹ بهمن تبریز، مجالس یادبود و قیام‌های خونین دیگر در بسیاری از شهرهای کشور همانند اصفهان، مشهد، قم، یزد، نجف‌آباد و خمین، برگزار گردید.

قیام مردم تبریز در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ نه تنها ضربه‌ای محکم و کارساز بر پیکره لرزان و در حال فروپاشی رژیم سلطنتی وارد ساخت، بلکه باعث تداوم زنجیره قیام‌های خونین مردم مسلمان ایران گردید و مردم انقلابی ایران و نیز مبارزین را به ادامه نهضت و رسیدن به پیروزی امیدوارتر و مصمم‌تر نمود. از این‌رو قیام ۲۹ بهمن تبریز، به عنوان یکی دیگر از افتخارات مردم مبارز و آزادیخواه آذربایجان، در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت گردیده است.

منابع:

- ۱- حماسه ۲۹ بهمن تبریز، به کوشش علی شیرخانی
- ۲- تبریز در انقلاب، هدیت الله بهبودی
- ۳- زندگینامه سیاسی امام خمینی، محمد حسن رجبی
- ۴- انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عباسعلی عمید زنجانی
- ۵- برهه انقلابی در ایران، علی‌رضا شجاعی وند
- ۶- تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، غلامرضا نجاتی
- ۷- سیر تکوینی انقلاب اسلامی، جواد منصوری